

رسانه، نظارت، امنیت:

(تحلیل جامعه‌شناسانه عملکرد نظارتی مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران)

چکیده

در این مقاله نویسنده ضمن بیان این مفروض که رسانه‌ها با اعمال کارکرد نظارتی خود می‌توانند تأثیرات امنیتی مثبت یا منفی‌ای بر روی ثبات سیاسی کشور بگذارند، به تحلیل دو دهه از حکومت جمهوری اسلامی در ایران می‌پردازد. مؤلف با تفکیک سه دوره تثبیت، سازندگی و توسعه سیاسی از هم، الگوهای قبض‌محور، یکسویه و بسط‌محور را چونان الگوهایی تحلیلی برای رابطه بین نظارت و ثبات، معرفی می‌نماید. در مجموع جامعه ایران نوعی رابطه

منطقی را در زمینه کارکرد نظارتی رسانه‌ها آزموده است که از قبض‌محوری به بسط‌محوری رسیده و از این‌رو تحولات جاری قوام‌بخش و نه ضدامنیتی به حساب می‌آیند.

مؤلف جهت تأیید فرضیه خود ضمن ارائه تعریف و فرمولی برای ثبات سیاسی، به تحلیل شرایط جاری در قالب فرمول پیشنهادی همت گمارده و در پایان راهبردهایی را جهت احتراز از بروز اختلال در امنیت ملی کشور به واسطه

عملکرد مطبوعات ارائه می‌دهد.

فهرست

140	مقدمه
143	الف - دوره تثبیت
147	ب - دوره سازندگی
150	ج - دوره توسعه سیاسی
155	نتیجه‌گیری
157	یادداشتها

کلید واژه‌ها

امنیت

ثبات

سیاست

اقتصاد

ایران

امام خمینی

هاشمی رفسنجانی

محمد خاتمی

فصلنامه مطالعات راهبردی سال سوم شماره اول و دوم بهار و تابستان 1379 شماره مسلسل 7 و 8

مقدمه

" غیرممکن است که در آن واحد جامعه در معرض انقلابی در ..ارتباطات قرار نگرفته باشد، بدون اینکه دیر یا زود

انقلاب سیاسی انفجار آمیزی مواجه نشود." (1)

ادعای آلون تافلر¹ اگر چه اغراق آمیز می‌نماید، لیکن پژوهشهای موردی به عمل آمده در زمینه بسیازی از کشورهای جهان سوم، حکایت از درستی پیش‌بینی وی دارد؛ به‌گونه‌ای که در سالهای آغازین قرن پیش روی یکی از

معضلات جدی بسیاری از کشورها، گسترده شدن قلمرو فعالیت رسانه‌ها - همچون ماهواره‌ها، شبکه‌های ارتباطی، و

..- است که به یک معنا زوال مفهوم سنتی از حاکمیت سیاسی را نوید می‌دهند. (2) به همین خاطر است که بحث از تأثیرات امنیتی ناشی از اعمال حق نظارتی رسانه‌ها، ربط مستقیمی با ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی می‌یابد و از این حیث پیامدهای امنیتی‌ای دارد که نه مردم، نه نظام حاکم و نه بازیگران حوزه عمومی نمی‌توانند نسبت به آنها بی‌توجه باشند. به عبارت دیگر، مقوله نظارت رسانه‌ها پدیده‌ای حساس و با اهمیت ارزیابی می‌گردد که تصمیم‌گیری در خصوص آن باید با دقت و ملاحظات ملی همراه باشد. برای تبیین این ضرورت، در نوشتار حاضر با تحلیلی جامعه‌شناسانه از جایگاه رسانه‌ها در جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهیم که سیاستهای فعلی از چه نقاط قوت و ضعفی برخوردار می‌باشد.

ورود به این بحث مستلزم طراحی چارچوب نظری مستقلی است که از حوصله مقاله حاضر بیرون است. بنابراین در این جا و در قالب مفروضات نوشتار به آوردن اصول اولیه‌ای که تحلیل نظری ما بر آن مبتنی است بسنده کرده و شرح آن را به مجال دیگر وامی‌گذاریم: (3)

1. Alvin Toffler

1- ثبات سیاسی عبارت است از: توازن بین "خواستهای مردمی" ¹ از یک سو و کارویژه‌های دولتی" ² از سوی دیگر.

عبارت دیگر، در درون هر جامعه‌ای چنانچه نظام سیاسی بتواند به خواستهای متنوع مردم پاسخ درخور و مناسبی بدهد و نظام مزبور مطابق با باور، عقاید و در یک کلام ایدئولوژی حاکم بر جامعه باشد، آن جامعه دارای ثبات سیاسی و امنیت خواهد بود. نتیجه آن که ثبات سیاسی مبتنی بر سه متغیر است: خواستهای مردمی، کارکردهای نظام و سرانجام ضریب ایدئولوژیکی که معرف میزان همسویی و یا واگرایی باورهای مردمی با اصول حکومتی می‌باشد. (4)

2- بی‌ثباتی سیاسی پدیده‌ای بسیط نیست، بلکه فرآیندی است که حداقل سه مرحله مختلف را دربر می‌گیرد: نارضایتی، تحمل و اعتراض. هر یک از این سه مرحله با توجه به عمق شکاف بین خواستهای مردمی و کارویژه‌های دولتی و میزان قوت ضریب ایدئولوژیک در جامعه رخ داده و بر وجود نوعی از بی‌ثباتی سیاسی دلالت دارند. (5)

3- نظارت یکی از کارکردهای اصلی رسانه‌ها به شمار می‌آید و اعمال آن بهترین روش برای حفظ نظام و جامعه از مفاسد می‌باشد؛ بنابراین رسانه‌ها در مقام زبان گویای ملت باید این کارویژه را به نمایش گذارند. آن چه در این جا مدنظر می‌باشد نه اثبات و یا نفی این حق - که اثبات آن پذیرفته شده است - بلکه نوع و شرایط اعمال آن هست. (6)

از مجموع مفروضات پیشین چنین استنتاج می‌شود که:

"رسانه‌ها از طریق اعمال حق نظارت خود می‌توانند چند تأثیر عمده بر جریان قدرت سیاسی در جامعه بگذارند:

اول - تغییر و تحول در خواستهای شهروندی که افزایش، تعدیل و یا کاهش آنها را دربرمیگیرد.

دوم - تغییر و تحول در کارویژه‌های دولتی که اصلاح عملکرد دولتی و تصویر مردم را شامل می‌شود.

سوم - تغییر و تحول در انسجام ایدئولوژیک جامعه که تقویت و تضعیف ارزش‌ها را شامل می‌شود.

بعلاوه هر یک از کارویژه‌های فوق فی‌نفسه دارای تأثیر امنیتی مثبت و یا منفی نمی‌باشد، بلکه با توجه به شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم معنا می‌شوند"

در نوشتار حاضر، نشان می‌دهیم که استراتژی‌های مختلفی درباره نحوه اعمال حق نظارت رسانه‌ها، طی دو دهه گذشته در جامعه ما وجود داشته و هر یک آثار امنیتی خاص خود را به دنبال داشته‌اند.

1. Peoples' Wants/Needs

2. Functions of State

واحد سیاسی ایران به سه مقوله فرهنگی - جغرافیایی تعلق دارد که مطابق پژوهشهای به عمل آمده تمامی آنها از حیث برقراری پیوندی مناسب بین نظارت و ثبات سیاسی به نوعی مشکل دارند. ایران از یک طرف متعلق به کشورهای جهان سوم است که به گفته ژوفری ریوس¹ در ارتباط و جهان سوم مبتلا به استراتژی غلط تلاش

تحت کنترل درآوردن تمام عیار رسانه‌ها و هدایت فرآیند نظارتی آنها به منظور تحصیل و استمرار ثبات سیاسی

هستند؛ کشورهایی که ثبات را در نبود هرگونه نقد و ارزیابی و تبعیت شهروندان از نظام سیاسی در تمامی حالات می‌دانند. (7) چنان که باری بوزان² نیز اظهار داشته، مشکل عمده این کشورها آن است که به تلقی درستی از مقوله امنیت ملی دست نیافته‌اند و از همین رو با تشکیل دولتهای قدرتمند و مسلح کوشیده‌اند تا به ثبات موردنظر برسند که البته با توجه به شرایط متحول جهانی و روابط رو به گسترش در سطح منطقه و جهان، این تقلی نمی‌تواند پایدار باشد. (8)

از دیگر سوی ایرن در منطقه خاورمیانه واقع گردیده که مقتضیات سیاسی، جغرافیایی و ایدئولوژیک آن غالباً به شکل‌گیری گونه‌ای از حکومتها منجر شده است که رابطه مثبتی را بین نظارت رسانه‌ای و تضمین ثبات سیاسی قایل نیستند. اشودلر³ و سایر همکاران او در پروژه "جامعه مدنی در خاورمیانه" که ماحصل نتایج آن در کتابی به نام به سوی جامعه مدنی در خاورمیانه؟ منتشر شده است، این وجه از مسأله را به تحلیل گذارده‌اند و در نهایت به آن جا می‌رسند که نوع حکومتهای تأسیس شده در این منطقه (تا سال 1990) به گونه‌ای است که اجازه بروز رفتارهای انتقادی و نظارتی را به رسانه‌ها نمی‌دهد و آنها را ضدامینیتی تلقی می‌نماید. (9) گذشته از دو مورد فوق، مسأله ناسازواری مبانی نظری ثبات سیاسی مبتنی بر مشارکت فعال رسانه‌ها با مبانی ایدئولوژیک مورد قبول اکثر حکومتهای موجود در منطقه نیز در میان است که تجربه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نمود بارز آن می‌باشد. این تحلیل در میان اکثر سخنرانان همایش "جامعه مدنی، دموکراسی و جهان اسلام" به بحث گذارده شده و الیزابت اوزدالگا⁴ و سون پرسون⁵ در اثری به همین نام، دست به طرح و تحلیل آن زده‌اند.

1. Geoffrey Reeves
4. Elisabeth Ozdalga

2. Barry Buzan
5. Sune Persson

3. Schwedler

مؤلفان این اثر گذشته از میزان اعتبار دعاوی‌شان، در تبیین اصل مشکل، کامیاب بوده‌اند. (10) دامنه این اشکال تا بدان جاست که اندرو شانکر¹ در "کتاب جامعه مدنی، دین دنی"، از شکل‌گیری دین تازه‌ای متناسب با عصر حاضر سخن گفته و این که امکان جمع بین مقتضات فعلی با دین به معنای سابق آن نمی‌رود. (11)

اما در این میان، تأسیس جمهوری اسلامی ایران را باید تحولی استثنایی در سطح خاورمیانه و حتی کشورهای جهان سومی و جهان اسلام قلمداد کرد، چرا که توانسته با تکیه بر ارزشهای بنیادین اسلامی، پیوندی کارآمد بین این دو مقوله بیافریند. تاریخ بیست ساله انقلاب اسلامی از این حیث بسیار قابل توجه می‌نماید که در ادامه در سه مرحله مجزا از یکدیگر به بحث و بررسی گذارده می‌شود.

الف - دوره تثبیت

وقوع انقلاب اسلامی و ثمردهی آن را از نظرگاه کنونی، می‌توان در قالب الگوی موسوم به "بی‌ثباتی بدخیم"² تفسیر نمود که در نهایت تحولات اعتراض‌آمیز شتاب‌آلودی را در پی آورد که توانست نظام شاهنشاهی را در هم کوبد. در پیروزی انقلاب اسلامی، بحث از طراحی و تثبیت نظامی تازه در می‌گیرد که طلیعه‌دار این جریان، شخص حضرت امام خمینی(ره) می‌باشند. شاخصهای اصلی الگوی مورد نظر حضرت امام (ره) جهت تأمین رابطه‌ای مثبت بین نظارت و ثبات سیاسی، با توجه به سیره عملی و نظری ایشان عبارتست از:

1- واقع‌نگری

حضرت امام (ره) اگر چه برای آرمانی بس بزرگ قیام کرده بودند، لیکن همیشه به نیازمندیها و خواسته‌های موجود در جامعه و به تعبیری علل مادی بروز انقلاب، توجه داشتند. بنابراین مشاهده می‌شود که به خاطر تضعیف نهادهای حکومتی سابق و عدم حاکمیت کامل نظام جدید، نهادها، بنیادها و یا مؤسساتی را پی می‌ریزند که رسالت اولیه آنها رفع نیازمندیهای روز، آن هم در ورای حدود و یا موانع قانونی به شکلی انقلابی بود.

1. Andrew Shanks

2- بی‌ثباتی بدخیم (Bad Natured - Political Stability): بدترین صورت از بروز بی‌ثباتی در کشورها می‌باشد که حکایت از رشد فزاینده نیازها، ناکارآمدی نظام سیاسی در پاسخ‌گویی به این نیازها و تضعیف جدی انسجام ایدئولوژیک در میان

ملت دارد؛ بحرانهای شدید معمولاً در این جوامع رخ می‌نماید

پیشگامی شخص حضرت امام (ره) در این مرحله و تأسیس نهادهای فوق در حل معضلات جامعه کارگر افتاد به گونه‌ای که نهادهای تازه تأسیس شده توانستند در کمترین مدت ممکن، نیروی مردمی و انقلابی را بسیج و به سوی حل مشکلات جامعه هدایت نمایند. بسیج، سپاه، جهادسازندگی، نهضت سوادآموزی، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان و... از جمله این تشکیلات هستند که با پاسخ‌گویی به خواسته‌های انقلابی، توانستند ثبات سیاسی را به ارمغان آورند؛ این روند تا آخرین روزهای عمر امام (ره) ادامه داشت که نمونه بارز آن تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت نظام" می‌باشد.

رسانه‌ها در این دوره با توجه به استراتژی وحدت‌بخش حضرت امام (ره) بیشتر نقش تعدیلی دارند؛ بدین معنی که در یک اقدام واحد و همسو، شروع به انعکاس فعالیتهای به اجراء درآمده و تعدیل خواسته‌های شهروندی می‌نمایند

از این طریق بر شکاف احتمالی بین کارویژه‌ها و خواسته‌ها چیره گردند. (12) تأکیدات مکرر امام (ره) در زمینه

مقابل با رسانه‌های وابسته و یا تحدید حوزه فعالیتی آنها، تماما بر این معنا دلالت دارند.

2- اولویت امنیتی

با توجه به شرایط سیاسی اوایل انقلاب و فعالیت مؤثر کانونهای امنیت‌زدا - از قبیل: نیروهای سودجو، معارضان خارجی، نیروهای افراطی داخلی، تشدید گرایشهای تجزیه‌طلبانه و کم‌تجربگی مسئولان، - مشاهده می‌شود که حضرت امام (ره) در دوراهی حفظ نظام و یا گشودن عرصه رقابتهای آزاد قرار می‌گیرند که در نهایت حفظ نظام اولویت می‌یابد. از این جاست که استراتژی قبض محور امام (ره) برای ایجاد وحدت در دستور کار قرار می‌گیرد و همین امر منجر می‌گردد تا کارکرد نظارتی رسانه‌ها نیز به تناسب تحدید و در چارچوب شرایط معنا شود. بسته شدن بعضی از مطبوعات که دارای نگرش انتقادی شدید و وابسته بودند، یکدستی مطبوعات و تعیین حوزه‌های فعالیتی آنها، از جمله آثار این استراتژی می‌باشد که در دوره تثبیت شاهد آن می‌باشیم.

3- تئوری ولایت فقیه و نظارت

با مراجعه به سیره عملی و نظری حضرت امام (ره) معلوم می‌شود که عنصر نظارت در بطن تئوری ولایت فقیه ایشان حضور داشته و در مجموع معنای موسع نظارت را حضرت امام (ره) تأیید و ترویج کرده است.

این واقعیت که از 973 مورد سخنرانی حضرت امام (ره) تقریباً 81 مورد (رقمی معادل 58/3 درصد) در مورد رسانه‌ها بوده که از این میان 6/2 درصد به صورت صریح بر نقش نظارتی رسانه‌ها تأکید می‌کند، حکایت از اولویت و

اهمیت نظارت در اندیشه سیاسی امام (ره) دارد. (13) نکته جالب آن که، گسترده شدن قلمرو یک رسانه و ورود آن

به میان عوام، منجر به زوال و یا نادیده انگاشتن نقش نظارتی آن رسانه نزد امام (ره) نمی‌شود. به گونه‌ای که در

از صدا و سیما که حدوداً 12/8 درصد از کل موضوعات سخنرانی امام (ره) را به خود اختصاص می‌دهد، مشاهده می‌شود رقمی معادل 2/2 درصد از این میزان به ضرورت اعمال حق نظارت اختصاص یافته است. (14)

از جمله مظاهر واقع‌گرایی امام (ره) توجه ایشان به اصل "مسئولیت‌پذیری" می‌باشد، بدین معنا که با الهام از آموزه‌های اسلامی که قدرت را از جنس مسئولیت می‌داند؛ (15) به طراحی سیستم سیاسی‌ای همت گماردند که در آن هیچ قدرتی فارغ از نظارت نیست. امام (ره) با تأکید بر وارد گشتگی معنای واقعی دموکراسی در سیاست اسلامی¹ خواستار "تبعیت قدرت" از خواسته‌های مشروع ملت شده، در تبیین "جمهوریت" نظام می‌فرمایند:

"ما نیاز به این نداریم که یک تحمیلی بر ملتمان بکنیم. اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آراء ملت هستیم. ملت هر طوری رأی داد ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که به ملت‌مان چیزی را تحمیل کنیم." (16)

با این نگرش است که "تخلف از حکم ملت" را برای هیچ کس جایز ندانسته و آن را خلاف شرع می‌شمارند. (17)

وجه بارز کلام فوق، تأکید بر اعمال حق نظارت مردمی است که رسانه‌ها حامل آن بوده و می‌توانند در خدمت

اجرای صحیح اصول "نصیحت ائمه مسلمین" و "امر به معروف و نهی از منکر" (18) قرار گیرد. تعبیر حضرت امام (ره) در این

جا صراحت تمام دارد:

"هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت اگر برخلاف وظیفه اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به

خود

از مقام زمامداری معزول است." (19)

1- امام خمینی(ره): "در اسلام دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد و مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کنند." (صحیفه نور، 460، ص 234)

در مجموع آن چه که از سیره عملی و نظری حضرت امام (ره) استنتاج می‌شود این است که امام (ره) بر عنصر نظارت رسانه‌ای بسیار اهمیت می‌دادند و آن را از باب امر به معروف و نهی از منکر و از مصادیق بارز مسؤولیت عمومی (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته) می‌دانستند. با این حال با پیروزی انقلاب، وضعیت خاصی پدیدار می‌شود که ویژه دوران گذار است، یعنی فروپاشی سامان پیشین و عدم تثبیت سامان سیاسی - اجتماعی تازه. حضرت امام (ره) برای عبور موفق از این دوره، سیاست وحدت محور خود را به اجراء گذارده و توانستند

انقلاب اسلامی را از شرایط انقلابی به سیاست انقلابی منتقل سازند.

در دوران شرایط انقلابی است که می‌بینیم با رشد شدید مطبوعات، مباحث انتقادی و جنجال‌برانگیز در این رسانه عمومی، بالا می‌گیرد. (نگاه کنید به تصویر شماره 1). ظهور 253 روزنامه در این دوره و حساسیتهای سیاسی آنها نوعی نابسامانی در سیاستگذاری کلان جامعه را در پی می‌آورد که موضع‌گیری صریح امام (ره) برای مقابله با این روند به همین علت رخ می‌دهد. در پی آن مسایل تا حدودی، تعدیل شده و ما شاهد تحدید جرایم و کاهش التهاب ناشی از آنها می‌باشیم. (20)

با این حال و علی‌رغم تحدید قابل توجه رسانه‌ها برای ورود به این مباحث به منظور ایجاد وحدت‌ملی، شاهد آن هستیم که نسبت به دوره حکومت شاهنشاهی که اکثر رسانه‌ها در فضای اختناق و سانسور به حیات خود ادامه می‌دادند - به گونه‌ای که قریب 82 درصد از کل زمان حیات رسانه‌ها از سال 1837 میلادی تا سال 1979 میلادی

شکل محدود و بدون آزادی نظارتی ارزیابی می‌شود (21) - شرایط انقلابی با تمام محدودیتهایی که دارد می‌تواند رشد کمی و کیفی خوبی برای رسانه‌های عمومی به دنبال داشته باشد که این به معنای نشاط فعالیت نظارتی، رسانه‌هاست. مطابق نظرسنجیهای به عمل آمده سال 1989 میلادی، وضعیت نسبی مطبوعات و رسانه‌های عمومی در کشور ما نسبتاً قابل قبول بوده و از جامعه آماری 995 نفری در تهران صرفاً 6 درصد از 14 درصدی که هرگز

روزنامه نمی‌خوانده‌اند، اظهار داشته‌اند که رسانه‌ها خنثی بوده و هیچ گونه کارکرد مثبتی ندارند و از این رو شایسته توجه نیستند. (22)

خلاصه کلام آن که، حضرت امام (ره) اگر چه الگوی ثبات سیاسی پویا را در نظر داشته‌اند و مقوله نظارت را از دیدگاه تأیید و تقویت می‌نمودند، لیکن به خاطر شرایط انقلابی و هرج و مرج گونه اول انقلاب که به نحوی

نظارت

رسانه‌ها در آن کارکرد منفی یافته بود و در راستای تضعیف کارویژه‌های دولت معنا می‌شد، سیاست قبض محور را

به

اجراء گذاشتند و توانستند ثبات سیاسی جامعه را حفظ نمایند.

ب - دوره سازندگی

با پایان یافتن جنگ تحمیلی شرایط تازه‌ای بر کشور حاکم می‌شود که حکایت از تثبیت نظام و ضرورت پرداختن نیازمندیهای خفته شهروندان داشت. انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری، اصلاح قانون اساسی و تأیید حضرت امام (ره) از کلیت سیاستهای ایشان حکایت از اجماع عمومی برای اجرای چنین تحولاتی در جامعه داشت. ارزیابی دولت آقای هاشمی مبتنی بر اصول زیر بود که به مجموع نقش خاصی را برای رسانه‌ها تعریف می‌نمود:

1- اولویت نیازمندیهای اقتصادی

کاهش شدید سهم هزینه‌های سرمایه‌ای از تولید ناخالص ملی از (تقریباً) 17 درصد در سال 1356 به 3 درصد در سال 1367 خسارت مالی و جانی جنگ، افت درآمدهای نفتی، نبود سرمایه‌گذارهای معتبر خارجی، افزایش کسری بودجه، تورم، رشد سریع جمعیت و (23) به شکلی نظام اقتصادی کشور را دچار ضعف ساخته بود که گمان‌آس
حیات آن به شکل مؤثر در سالهای آتی نمی‌رفت. با توجه به وضعیت ناگوار اقتصادی، دولت آقای هاشمی اولویت اول

جامعه را بهبود مسایل اقتصادی ارزیابی و در دستور کار خود قرار داد. براین اساس آقای هاشمی در تحلیلی چنین اظهار می‌دارد که:

" من فکر می‌کنم که یکی از کارهای لازم این است که بعد از مشکلات ایجاد شده از جنگ ما باید به زندگی مردم بپردازیم و اقدام به رونق اقتصادی کشور بکنیم" (24)
و همین اصل است که سرلوحه برنامه کار دولت قرار می‌گیرد:

" [ما] در شرایطی قرار داریم که علاوه بر تقویت بنیه دفاعی، بازسازی فرهنگی، اقتصادی [و] اجتماعی کشور اجتناب‌ناپذیر است. زیرا در غیر این صورت سهم هنگفتی از منابع اقتصادی کشور را.. بی‌هیچ نتیجه سودمندی به ناپودی خواهیم سپرد." (25)

بدین ترتیب در معادله ثبات سیاسی، اولویت اول به خواستههای اقتصادی شهروندان داده می‌شود.

2- تثبیت و تحدید میزان نظارت

از آن جا که بازسازی و رشد اقتصادی در فضایی آرام ممکن و میسر است و ورود رسانه‌های جنجال‌برانگیز و نظارت

گسترده ایشان بر کلیه رفتارها و در نهایت نقد و بررسی آنها می‌تواند نوعی رویکرد انتقادی را پدید آورد که صاحبان

سرمایه چندان از آن خرسند نیستند، دولت تصمیم گرفت تا حد امکان و به نفع رشد اقتصادی از نقش سیاسی - نظامی رسانه‌ها بکاهد. به دنبال همین سیاست است که مشاهده می‌شود فعالیت‌هایی چون انتشار نشریات و کتب انتقادی، برگزاری مجالس و نشست‌های نقد و ارزیابی، سخنرانیها، و کلیه اموری که به نحوی رویکرد انتقادی داشتند؛ به سادگی میسر نمی‌گردد. به عبارت دیگر رشد این گونه فعالیتها آرام گشته و از نظر محتوایی نیز تماما در ذیل استراتژی کلان دولت آقای هاشمی، متعهد به فعالیت‌های انتقادی محدود، می‌شوند. برای مثال طبق یک پژوهش میدانی به عمل آمده، در سال 1373، فقط 5/85 درصد از کل سطح زیر چاپ روزنامه‌ها و 6/3 درصد از سطح زیر

چاپ کلیه مجلات آن سال ایران را مطالب انتقادی تشکیل می‌داده‌اند. این ارقام ناظر بر کل فعالیت‌های انتقادی این رسانه‌ها می‌باشد، حال آن که اگر خواسته باشیم آنها را با توجه به نوع نظارت انتقادی‌ای که به نمایش گذارده‌اند ارزیابی کنیم، روشن می‌شود که فقط 22 درصد روزنامه‌ها و 43 درصد مجلات به خود اجازه طرح مسایل انتقادی در

مقولات خاص و جدی را داده‌اند و مابقی موارد صرفا به مسایل عام و معمولی راجع می‌شده است. به تعبیری دیگر، 5/63 درصد از سطح زیر چاپ روزنامه‌ها حاوی مطالب انتقادی غیر حساس و 0/22 درصد به مسایل حساس و

ج

مربوط می‌شده است. در مجلات تخصصی این ارقام به ترتیب به 5/87 درصد و 0/43 درصد افزایش می‌یابد که در مجموع مبین سیاست کلی دولت جناب آقای هاشمی در ایجاد نوعی ثبات سیاسی - اجتماعی از طریق تحدید بعد نظارتی رسانه‌ها می‌باشد. (26) عزم دولت برای رسیدن به چنین هدف در جملات رئیس جمهور وقت تجلی تمام دارد، آن جا که ایشان می‌گوید:

" دولت تمامی ابزار تضمین را در اختیار دارد و ما امکانات نظامی، قوه قضائیه و برنامه‌های سیاسی را پشتوانه این تضمین اعلام می‌کنیم. سرمایه‌گذاران امنیت دارند و هر چه از جنگ فاصله بگیریم این امنیت تقویت خواهد شد."

(27)

همین تحلیل در گزارش سالانه کمیته بین‌المللی حمایت از روزنامه‌نگاران (1994) به صراحت آمده است که
حکایت

از وضوح استراتژی رسمی دولت آقای هاشمی و درک آن از جانب تحلیل‌گران خارجی دارد:

“پس از شکست عراق در جنگ خلیج فارس، ایران به صورت قدرت غالب در منطقه در آمده است.. و عزم خود را برای گسترش فضای نفوذش به خارج از منطقه به سوی مشرق زمین و شمال آفریقا - نشان داده است. بسیاری از صاحب نظران خاورمیانه از جمهوری اسلامی ایران به یک دمکراسی موفق اسلامی یاد میکنند و البته این یک حقیقه است”

است که ایران در پاره‌ای جهات از قبیل حق رأی عمومی برای بزرگسالان خیلی دموکراتیک‌تر از بسیاری از همسایگان خود نظیر عربستان سعودی یا سوریه است.. با این حال از زمانی که رییس جمهور هاشمی رفسنجانی در ماه ژوئن 1993 برای بار دوم انتخاب شده از میزان بردباری دولت نسبت به مخالفان وفادار به نظام¹ کاسته شده است.” (28)

در واقع برنامه سیاسی دولت برای کاهش سطح نظارتها، پشتوانه عملی‌ای بود که دولت برای توسعه اقتصادی فراهم آورد. این استراتژی اگر چه در حوزه اقتصاد بنابر دلالت ارقام موجود توانست تا حدودی جوابگو باشد، به گونه‌ای که

کشور به رشدی معادل 4/5 درصد در دوره اول ریاست جمهوری آقای هاشمی می‌رسد که در خور تقدیر است (29)

ولیکن همین بهبود اقتصادی چنان که آقای محمدعلی همایون کاتوزیان نیز اظهار داشته به رشد توقعات سیاسی مردم به ویژه در بخش اعمال نظارت (30) منجر می‌شود که الگوی مورد نظر دولت برای آن، پاسخ قانع کننده‌ای نداشت.

نتیجه در پیش‌گیری چنین سیاستی در حوزه مطبوعات - به ویژه چهار سال دوم از دولت آقای هاشمی - به حاشیه رفتن رسانه‌های انتقادی در جامعه ایران می‌باشد، به گونه‌ای که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان نشریات را به ترتیب زیر تقسیم‌بندی کرد (31) که در آن شمارگان نشریات همسو با دولت چشمگیر و معنادار می‌باشد:

1- محافظه کارانه: رسالت با شمارگان 30000 و کیهان با 20000 و

2- چپ بنیادگرا: کار و کارگر با شمارگان 20000 و سلام با شمارگان 70000 و

3- معتدل و حامی رییس جمهور: همشهری با شمارگان 300000 و ایران با 100000

در نتیجه علل مختلفی از قبیل وجود نارضایتی از فسادهای پنهانی که رسانه‌ها می‌توانستند با اعمال نظارتشان از وقوع آنها جلوگیری کنند ولی این امکان برای آنها ایجاد نشد، اولویت یافتن خواسته‌های سیاسی و عدم تغییر استراتژی کلان دولت جناب آقای هاشمی در دوره دوم از ریاست جمهوری و .. کشور شکاف بین خواسته‌ها و

ارویژه

را تجربه نمود و از مرحله نارضایتی به تحمل رسید که نمود بارز و عینی آن انتخابات دوم خرداد بود.

1. Loyal Opposition

در مجموع اگر چه رابطه مستقیم بین خواستها و کارویژه‌ها در دولت آقای هاشمی نیز پذیرفته شده بود ولیکن اولویت یافتن اقتصاد می‌طلبد تا نقش نظارتی رسانه‌ها کاهش یابد و در واقع رسانه‌ها به ایفای نقشهای اطلاع‌رسانی همسو با دولت بسنده کنن
د. بدین ترتیب ثبات سیاسی نتوانست پویایی لازم را داشته باشد و در واقع به دلیل نبود همین عنصر نظارتی، لطمه و آسیب دید.

ج - دوره توسعه سیاسی

تلاش دولت آقای خاتمی از همان آغاز بر جبران دو نقیصه پیشین قرار گرفت. بنابراین، دو ویژگی بارز سیاستهای دولتی عبارتند از:

1- اولویت بخشی به خواستهای سیاسی

2- باز کردن عرصه برای نظارت قانونی رسانه‌ها

در راستای اجرای این دو خواست، مفهوم جامعه مدنی عرضه می‌گردد که مبتنی بر مشارکت فعال کلیه افراد و نهادها در امور سیاسی جامعه بود. نتیجه این سیاست تکثر سیاسی،¹ افزایش سطح رقابتهای سیاسی،² تحمل دیدگاههای مختلف،³ استقبال از دیدگاههای رقیب⁴ و تأکید دولت بر نقش نظارتی تمامی افراد بود که ثبات سیاسی

کشور را تضمین می‌کرد. به همین خاطر است که جناب آقای خاتمی خطاب به مردم می‌گوید:

" در جمهوری اسلامی مردم آزاد هستند، حق اعتراض دارند و می‌توانند حقوق خویش را بشناسند و آن را از حکومت بخواهند." (32)

چنان که از فحوای اصول بالا برمی‌آید، اصل پاسخ‌گویی با اولویت اول در مشی دولت جدید تعریف شده است و نظ
سیاسی می‌کوشد با مجال دادن به نگرشهای انتقادی، راه را برای تمامی کسانی که چارچوب کلی نظام را پذیرفته‌اند باز بگذارد.

1- جناب آقای خاتمی: "وحدت و وفاق به معنای یک‌رنگ و یک‌دست بودن جامعه نیست. چرا که چنین جامعه‌ای مرده و غیرفعال است." (ایران 75/12/22)

2- جناب آقای خاتمی: "وجود گرایشهای متفاوت با اندیشه‌های مختلف باعث تقویت نظام و انقلاب است." (روزنامه
جمعه _____
اسلامی، 75/12/7)

3- جناب آقای خاتمی: "هر اندیشه‌ای که خواهان رشد است باید رقیب را تحمل کند و به مردم حق انتخاب بدهد."
(روزنامه _____
اخبار، 75/12/2)

4- جناب آقای خاتمی: "باید فضایی را فراهم کرد که همه نیروهای متفکر بتوانند دیدگاههای خود را مطرح کنند." (روزنامه
همشهری، 75/12/18)

بدیهی است که در این هنگام ابعاد مختلف نظارت رسانه‌ها فرصت ظهور می‌یابند و ما شاهد پدیده‌هایی از قبیل موارد زیر می‌باشیم:

- تشدید فعالیتهای مبتنی بر اطلاع‌رسانی دقیق به منظور آگاهی بخشی به مردم،
- ورود رسانه‌ها به امر تحقیق و تفحص و پی‌گیری امور مختلف اجتماعی،
- طرح دیدگاههای انتقادی نسبت به دولت و دولتمردان،
- ارایه الگوهای جدید سیاستگذاری و اعلام وجود در سطح استراتژیک؛

پدیده‌های فوق به یک معنا، شکل‌گیری تعریف تازه‌ای از قدرت را نوید می‌دهد که اصل در آن مسؤلیت و پاسخ‌گویی است. اما آن چه در این فضا از حیث آسیب‌شناسی ثبات سیاسی برای ما مهم می‌باشد، آن است که: نخست - نظارت رسانه‌ای که در عصر توسعه سیاسی بدان تأکید می‌گردد، چنان چه صرفاً به تغییر عامل "خواستهای شهروندی" (در معادله ثبات سیاسی) معطوف بشود و از عوامل دیگر غفلت ورزد، نوعی کار ویژه امنیت

منفی را به دنبال خواهد داشت و با رشد فزاینده خواستهای شهروندی در مقابل سقوط کارویژه‌های دولتی منجر به بروز شکاف و در نتیجه دامن زدن به فرآیندهای موجد بی‌ثباتی در نظام خواهد شد. بنابراین رسانه‌ها در استفاده از فضای باز توسعه سیاسی حاضر و در مقام اعمال حق نظارتشان باید متوجه بهبود کارویژه‌های دولتی نیز بوده، با طرحها و الگوهای عملی خود، به یاری دولت برای پاسخ‌گویی به نیازهای سابق و جدیدشان بشتابند. به عبارت دیگر

نظارت رسانه‌ها باید با توجه به واقعیات و شرایط اجتماعی و با توجه به سه عامل اصلی در معادله (یعنی خواستها، کارویژه‌ها و انسجام ایدئولوژیک) اعمال شود، در غیر این صورت، صرف افزایش خواستهای شهروندی، آن هم بدون آن که راه‌حلی برای پاسخ‌گویی به آنها پیش‌بینی شود، به معنای ایجاد شکاف بین خواستها و کارویژه‌ها خواهد بود و مقدمه‌ای برای بروز بی‌ثباتی می‌گردد.

دوم - اعمال نظارت رسانه‌ها باید دقیقاً با توجه به ضریب انسجام ایدئولوژیک جامعه ایران، صورت پذیرد. بدین

معنا

که اگر این انسجام در روند بررسیهای انتقادی یا گذار به الگوی تازه، لطمه ببیند؛ در مجموع ثبات سیاسی جامعه - حتی اگر هم فعالیت مؤثر دولت افزایش یابد - باز هم دچار افت شده و در مجموع منفی ارزیابی می‌گردد. علت تأکید

بر عامل انسجام ایدئولوژیک، بیشتر از آن رو می‌باشد که جامعه ما به دنبال تحولات دوم خرداد در حال انتقال از
یک
الگوی ثبات سیاسی به الگوی تازه‌ای می‌باشد و مقتضای این تحول تجربه نمودن دوران گذاری است که اگر
انسجام
ایدئولوژیک نتواند در آن ایفاگر نقشی مؤثر باشد، طبیعتاً نتیجه این فرآیند مطابق خواست دولت و ملت هم نخواهد
بود.

بنابراین سلامت الگوی تازه بیش از هر چیزی در گرو حفظ سلامت ایدئولوژیک جامعه می‌باشد. بدین ترتیب در چارچوب الگوی توسعه سیاسی پویا که هم اکنون دولت آقای خاتمی به اجراء گذارده است، لازم می‌آید تا نوع اعمال قدرت نظارت به دقت بررسی گردیده و رسانه‌های کشور با توجه به افزایش کمی و کیفی‌شان

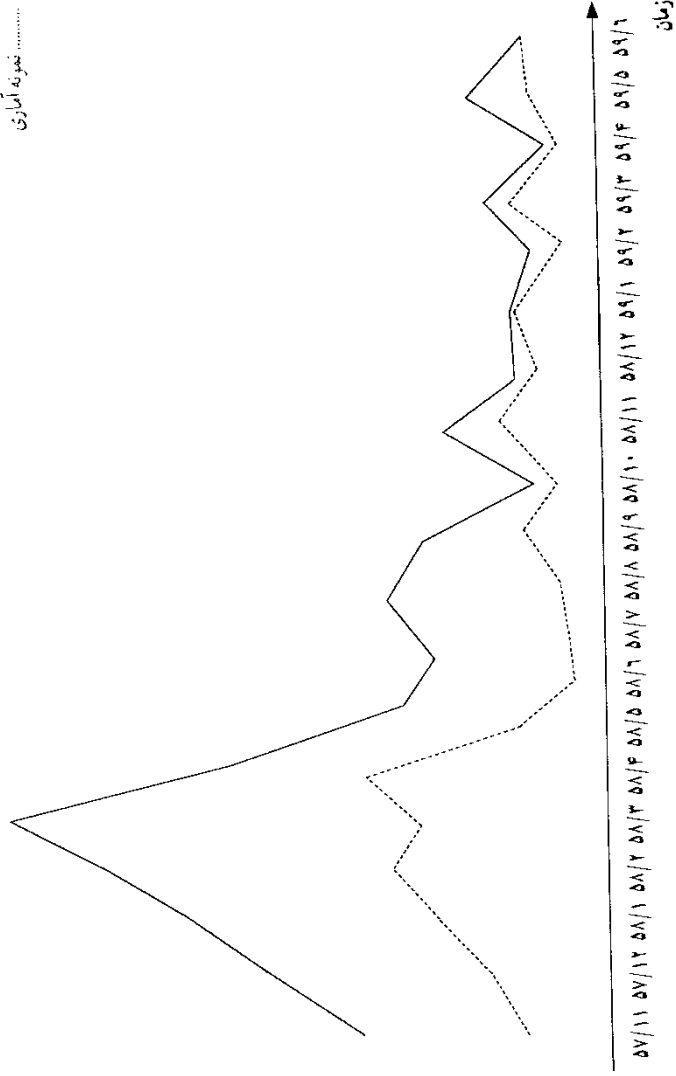
و

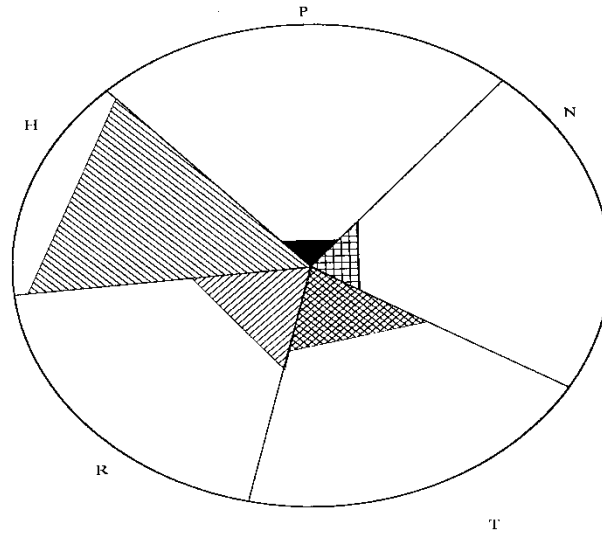
مهیا شدن بستر قانونی جامعه، به نحوی این قدرت را عمل نکنند که ثبات سیاسی به جای تقویت، متزلزل شود. برای این منظور تنها روش ممکن هدایت فعالیت‌های نظارتی به سمت و سویی است که ضمن افزایش انسجام
ایده‌ولوژیک،

بتواند نسبتی خردپسند بین توان بالفعل جامعه و خواست‌های شهروندی پدید آورد. با رعایت شرایط فوق، می‌توان تحقق الگوی تازه را گامی مثبت و بزرگ در راه تقویت ثبات سیاسی کشور و در ادامه روند اصلاحی‌ای که از زمان امام(ره) آغاز شده است، ارزیابی نمود؛ الگویی که با شرایط عصر حاضر تطابق بیشتری دارد و می‌تواند ایران را در عرصه جهانی به مثابه یک کشور موفق در تحصیل ثبات سیاسی، معرفی نماید.

تصویر شماره (۱)
انتشار روزنامه‌های جدید طی ۱۴ روز از انقلاب اسلامی

منبع: ارتباط جمعی در کشور، عای اسلامی، ص ۲۰۶
جمعیت آماری
نمونه آماری





تصویر شماره (۲)
مدل مصرف رسانه‌ها در ایران
۱۹۹۵

P = وزن سرانه مطبوعات
H = شاخص توسعه انسانی^۱

R = رادیو
T = تلویزیون
N = روزنامه

منبع: ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی، ص ۷۵۶

۱- نسبت شاخص توسعه انسانی هر کشور بر عدد ۰/۹۳۲ که بیشتر رقم شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۵ بوده است.

نتیجه گیری

در این نوشتار جهت نشان دادن تأثیرات ناشی از اعمال حق نظارت رسانه‌ها بر ثبات سیاسی کشور، به تحلیل مفهومی و تئوریک دو مقوله "ثبات سیاسی" و "نظارت" پرداخته، ضمن تحلیل ثبات سیاسی به وجود توازن بین خواستهای شهروندی و کارویژه‌های دولتی در بستر زمان، اشکال مختلف آن را از یکدیگر جدا ساختیم. بر این اساس مشخص می‌گردد که "نظارت" می‌تواند دو گونه از تأثیرات مثبت و منفی را برای ثبات سیاسی هر کشوری به دنبال داشته باشد و این امر به الگوی حاکم از ثبات سیاسی و وضعیت بی‌ثباتی در کشور برمی‌گردد.

مطابق تحلیل حاضر معلوم می‌شود که مطبوعات از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز سه الگوی متفاوت از ثبات سیاسی را تجربه نموده‌اند.¹ الگوهای قبض محور، یکسویه و بسط محور در سه دوره تثبیت، سازندگی و توسعه

سیاسی در مجموع ضمن پاسداشت کلیت نظام، سه معنای متفاوت از نظارت رسانه‌ای را نیز مطرح ساخته‌اند که در طول هم قرار داشته و در نهایت شکل مترقیانه‌ای پیدا کرده است. علی‌رغم اختلافات الگویی و سیاستگذاری در این سه دوره، آن چه که از نظرگاه تحلیل سیاسی جالب می‌نماید، آن است که جمهوری اسلامی ایران روندی تدریجی و

تکاملی را پشت سر گذاشته و از این حیث برنامه‌های اصلاحی دولت آقای خاتمی می‌تواند به مثابه ثمره نهایی تلاشهای به عمل آمده در زمینه اصلاح و تقویت الگوی ثبات سیاسی کشور تلقی گردد.

برای رسیدن به هدف فوق لازم می‌آید تا رسانه‌های ملی - محلی ضمن جلب عزم ملی برای گذر از دوران انتقال،

توازن بین خواستهای شهروندی با کارویژه‌های دولتی تأکید ورزیده، تا حد امکان برای تقویت انسجام ایدئولوژیک جامعه تلاش ورزند. به عبارت دیگر نظارت رسانه‌ها باید یکسویه نبوده، ضمن پرداختن به نگرشهای انتقادی از کارویژه‌های تعدیل خواستهای مردمی و شتاب‌بخشی به روند اصلاحات حکومتی خود نیز غافل نگردند. نکته مهم در

این زمینه، رعایت اصول اصلاح اجتماعی است و اینکه نظارت همه‌جانبه باید با التزام به مبانی قانونی و شرعی

صورت

پذیرد تا بتواند حمایت مردمی را نیز به دنبال داشته باشد.

1- تأکید بر مطبوعات در مقایسه با رسانه‌های دیگری چون رادیو و تلویزیون (که مطابق تصویر شماره 2 سهم بیشتری دارند)، ناشی از غیردولتی بودن و حساسیت نقش آنهاست

در الگوی ثبات سیاسی پویا، نظارت رسانه‌ها به مثابه یک عامل وحدت‌بخش و تقویت‌کننده ثبات سیاسی مطرح می‌باشد و چنان نیست که ضریب امنیتی جامعه را کاهش دهد. بنابراین جامعه ما با قبول چنین تلقی‌ای از ثبات سیاسی، می‌تواند با حفظ امنیت ملی خود، برای مقابله با شرایط و مقتضیات قرن بیست و یکم آمادگی کامل را بیابد. طی این مرحله و گذار به الگوی تازه، ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد و به همین خاطر است که فرآیند اصلاحات

امری ضروری و مورد قبول عام می‌باشد که نه تنها محل ثبات سیاسی ارزیابی نمی‌گردد، بلکه مؤید آن هم است.

یادداشتها

(1) به نقل از: تافلر، آلوین، موج سوم، شهین‌دخت خوارزمی، تهران، نشر نو، 1366 ص 607.

(2) See: Webster, Frank, Theories of Information Society, Routledge, 1995.

- Kizza Josph, Ethical and Social Issues in the Information Age, New York, Spring - Verlag, 1998.

(3) نگارنده بحث از چارچوب نظری ارتباط نظارت با ثبات را در مقوله‌ای مستقل آورده است؛ نک:

- افتخاری، اصغر، "نظارت و ثبات سیاسی: چارچوب تئوریک" در: مجموعه مقالات همایش رسانه و ثبات سیاسی در

جمهوری اسلامی ایران، (پژوهشکده مطالعات راهبردی، فروردین ماه 1378).

(4) See: Bertsch, Gary and K, Robert an P.Clarks and M.Wood, Comparing Political Systems: Power & Polity in Three Worlds, New York, Macmillan, 4th (ed), 1991.

- Almond, Gabreil, (General Editor), Comparative Politics Today: A World View, Boston, Toronto, Little Brown & Company, 1974.

- Clinton, David, W. Two Faces of National Interest, London, Louisiana State University Press, 1994.

- Bergstrom, Villy (Ed), Government And Growth, Oxford, Clarendon Press, 1992.

(5) جهت توضیح بیشتر در این باره نک:

- افتخاری، اصغر، "چهره متغیر امنیت داخلی: بررسی نسبت امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی

ایران"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم، تابستان 1378، صص 53-19.

(6) See: Monro, J & Y. Morritson (Eds), Accountability Power: Methods and Technologies of Management, London, International Thomas Business Press, 1996.

(7) Reeves, Geoffrey, "Communication & The Third World", in: News Media & Foreign Policy, op.cit, pp.70-101.

(8)Buzan, Barry."People, State and Fear: The National Security Problem in the Third World", in: Edward Azar and Chung - in - Moon (Eds), National Security in The Third World, Edward Elgar Publisher 1988, pp.14-44.

(9)See: Schwedler, Toward Civil Society in the Middle East? A Primer, U.S.A, Lynne Rienner Publishers,1995.

(10)See: Ozdalga, Elisabeth & Sune Persson, Civil Society, Democracy & The Muslim World, Istanbul, Swedish Research Institute in Istanbul & the Authors, 1997.

(11)See: Shanks, Andrew, Civil Society, Civil Religion, U.S.A, Blackwess, 1995.

(12) توضیح مبسوط این مطلب را در مقاله زیر بخوانید:

- افتخاری، اصغر، "چهره متغیر امنیت داخلی"، پیشین (یادداشت شماره 5)

(13) به نقل از: علیزاده، فردین، "جایگاه رسانه در سخنرانیهای امام (ره)", پژوهش و سنجش، سال 1378، 6، ش 18، صص 90-94.

(14) همان جا، صص 7-96.

(15) نک افتخاری، اصغر، "مبانی اسلامی حاکمیت سیاسی"، دانشگاه اسلامی (فصلنامه)، شماره 6.

(16) صحیفه نور، ج 10، ص 181.

(17) صحیفه نور، ج 14، ص 109.

(18) برای اطلاع از مبانی نظری این بحث از دیدگاه نظارتی نک:

- سروش محلاتی، "نصیحت ائمه مسلمین" حکومت اسلامی (فصلنامه)، ش 1، پاییز 75.

(19) صحیفه نور، ج 4، ص 190.

(20) محسنیان راد، مهدی و همکاران، ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع) پروژه تحقیقاتی داخلی)، 1376، ص 206.

(21) همان جا، ص 764.

(22) همان جا، ص 766.

(23) -مزارعی، "اقتصاد ایران بعد از انقلاب از هم گسیختگی و پوپولیسم"، پرویز صداقت، فرهنگ توسعه، سال 6، ش 26.

- گزارش نهایی برآورد خسارات اقتصادی جنگ تحمیلی، تهیه و تدوین: سازمان برنامه و بودجه، 1369.

(24) اطلاعات روزنامه، 70/5/19.

در این باره نک:

(25) به نقل از: ولی پور زرومی، سید حسن، "گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات

راهبردی، پیش شماره دوم، تابستان 1372.

(26) ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی، پیشین (یادداشت شماره 21) ص 768.

(27) به نقل از: "گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران"، پیشین، (یادداشت شماره 26).

(28) به نقل از: ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی، پیشین (یادداشت شماره 21) صص 769-70.

(29) نک: رزاقی، الگویی برای توسعه اقتصادی در ایران، تهران، توسعه، 1369.

(30) نک: کاتوزیان، محمدعلی همایون، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، محمدرضا

نفیس

و کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، ج 5، 1374 به ویژه بخش چهارم.

(31) به نقل از: ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی، پیشین، (یادداشت شماره 21) ص 778.

(32) سلام روزنامه، 76/1/10.

